



## امر به معروف نهی از منکر و رابطه آن با حقوق بشر

گفت‌وگو با آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی

آیت‌الله حائری شیرازی از جمله عالمان دینی است که همواره درباره بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دغدغه‌های جدی داشته‌اند و همواره کوشیده‌اند راهکارها و دیدگاه‌های مناسبی برای حل مسائل مطرح سازند. یکی از ویژگی‌های ایشان مثال‌های شیوا و کاربردی برای تبیین دقیق موضوع است. آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگو، با ایشان درباره موضوع امر به معروف و نهی از منکر و نسبت آن با حقوق بشر است.

### مراد از امر به معروف و نهی از منکر چیست

#### و جایگاه این فریضه در منظومه آموزه‌های دینی چگونه است؟

<p>در امر به معروف و نهی از منکر باید دو کار را انجام داد؛ عده‌ای باید معروفیت واجبات فراموش شده را دوباره احیا و شفاف کنند تا زمینه برای امر به معروف فراهم شود؛ یعنی گروه اول جاده صاف‌کن‌های امر به معروف، و کسانی هستند که معروفیت واجبات را</p>	<p>به وسیله کارهای فرهنگی و برنامه‌های مختلف دوباره زنده می‌کنند. گروه دیگر باید به معروف‌های احیا شده امر کنند تا این معروفیت از کار نیفتد؛ رسالت مهم امر به معروف، حفظ معروفیت معروف به وسیله امر، و احیای منکریت منکر به وسیله نهی است.</p>
--	--

در حقیقت گروهی که معروفیت را احیا می‌کنند، خمیر را به شکل نان درمی‌آورند و آن کسانی که نهی از منکر و امر به معروف می‌کنند، این خمیر را به تنور می‌زنند و تنور را داغ‌نگه می‌دارند؛

زیرا تنور امر به معروف و نهی از منکر نبا ید سرد شود. وقتی معروفیت معروف و منکریت منکر از آن گرفته شود، کار کردن روی آنها سخت است؛ در واقع، مانند آهنی

سرد شده است که نمی‌توان آن را کوبید و به شکل مورد نظر درآورد؛ یعنی کار بی‌نتیجه است. دشمنان اسلام دقیقاً متوجه این نکته شده‌اند و بیشتر وقت‌شان را صرف از معروفیت انداختن معروف و بلکه منکر کردن معروف، و از منکریت انداختن منکر و معروف کردن آن کردند. وقتی معروف به منکر تبدیل شد، امر به معروف و نهی از منکر در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرد. برای مثال، الان در مجالس عقد نمی‌توانید کراوات را حذف کنید؛ برای داماد و ارحام نزدیک او کراوات را مد کردند؛ یعنی این منکر

در شب عروسی معروف شد. بعد در جشن تولدها هم چنین رسمی ایجاد می‌کنند؛ سپس به دکترها و اساتید بزرگ دانشگاه هم می‌گویند شما چون از خارج می‌آیید و آنجا کراوات می‌زدید، اینجا هم

باید استفاده کنید و به همین ترتیب به تدریج چیزی که اول انقلاب در ذهن مردم منکر بود، آرام‌آرام معروفش می‌کنند. در مورد بی‌حجابی نیز همین‌طور است؛ اول

کاری می‌کنند که بی‌حجابی که منکر هست، منکریتش برطرف شود و بعد هم زمینه معروف شدن آن را فراهم می‌کنند. برای مثال، عادت می‌شود که زن‌ها قسمتی از موی خودشان را بیرون بگذارند.

ما باید در آموزه‌های الهی دقت کنیم. عرصه‌هایی را که دشمن می‌کوشد معروف را از معروفیت ساقط کند، حوزه اساسی نبرد ما با دشمن در جنگ فرهنگی است؛ یعنی شب‌های عروسی، جشن تولد و... میدان جنگ نرم است. جنگ نرم را از اینجا آغاز می‌کنند و

**عرصه‌هایی را که دشمن می‌کوشد معروف را از معروفیت ساقط کند، حوزه اساسی نبرد ما با دشمن در جنگ فرهنگی است؛ یعنی شب‌های عروسی، جشن تولد و... میدان جنگ نرم است. جنگ نرم را از اینجا آغاز می‌کنند و به تدریج توسعه می‌دهند**



شود. از حقوق انسان‌ها این است که با خدای خودشان ارتباط داشته باشند؛ هیچ کس نباید مانع ارتباط انسان با خدا شود؛

زیرا انسان به امر خدا به وجود آمده، نشاط او و حیاتش به این ارتباط با خداست و این حق اوست. وقتی آیت‌الله العظمی بهجت رحمه‌الله می‌گوید اگر می‌دانستند نماز چه لذتی دارد، سراغ عشرت‌کده‌ها نمی‌رفتند، این حق بشر است که نماز لذت‌بخش داشته

با شد. حقوق بشر سیاسی آن است که سازمان مللی ایجاد کنند و در این سازمان ملل مصوباتی درست کنند تا وقتی می‌خواهند منکریت را در جامعه اشاعه دهند یا معروفیت معروف را از بین ببرند، اگر کسی خواست مانع این راه شود، به او بگویند شما در زندگی خصوصی دیگران دخالت کردید! آیا اگر کسی مریض است و به او کمک نکنیم تا او

به تدریج توسعه می‌دهند. ما باید چه کنیم؟ ما باید در مدارس و دانشگاه‌ها با نوجوانان و جوانان به گونه‌ای صحبت

کنیم که حجاب معروف شود. تأثیری که یک جوان باحجاب با حضور خود در راهپیمایی بر جای می‌گذارد، به مراتب بیش از تأثیر یک فرد سالخورده است. پس امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ معروفیت معروف و حفظ منکریت منکر است



و اگر ترک امر به معروف و ترک نهی از منکر شود، این معروفیت و این منکریت از دست می‌رود، و وقتی از دست رفت، دیگر امر کردن سخت می‌شود.

**تعریف شما از حقوق بشر چیست؟**  
ما یک حقوق بشر سیاسی داریم و یک حقوق بشر واقعی؛ در حقوق بشر واقعی، اولین حق بشر سعادت است و هیچ کس نباید مانع سعادت یک انسان



بمیرد، دخالت در زندگی دیگران است؟! اگر کسی در وسط خیابان ایستاده است

حق بشر سیاسی این گونه است که برای مثال می‌گوید آقای سلمان رشدی کتابی نوشته است، و اینکه آزادی بیان او را محدود سازید، مخالفت با حقوق بشر است. ایشان چیزی به ذهنش آمده و گفته است، شما هم جواب دهید! اما امام راحل چه فرمود؟ گفت ما با این شخص برخورد می‌کنیم و بر هر مسلمانی واجب است که این فرد را از بین ببرد. این حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی است. امام می‌گوید این حق بشر است که از عقیده‌اش دفاع کند؛ پس در مورد آقای سلمان رشدی هم این حق مردم است که او را از بین ببرند؛ زیرا او ضلال پراکنی و لجن پراکنی می‌کند و باید با او برخورد شود»»

و در آستانه تصادف کردن قرار دارد و ما به او کمک کنیم، این دخالت در زندگی شخصی اوست؟ آیا حقوق بشر این است که اگر خواستیم کسی را از سقوط در جهنم نجات دهیم، این دخالت در زندگی خصوصی اوست؟

اگر بینی که نایبنا و چاه است اگر خاموش بنشیند گناه است حق بشر است که هدایت و سعادت مند شود؛ حق طبیعی بشر است که از سرگردانی بیرون بیاید؛ این حق بشر فطری است.

اما حق بشر سیاسی این گونه است که برای مثال می‌گوید آقای سلمان رشدی کتابی نوشته است، و اینکه آزادی بیان او را محدود سازید، مخالفت با حقوق بشر است. ایشان چیزی به ذهنش آمده و گفته است، شما هم جواب دهید! اما امام راحل چه فرمود؟ گفت ما با این شخص برخورد می‌کنیم و بر هر مسلمانی واجب است که این فرد را از بین ببرد. این حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام است. امام می‌گوید این حق بشر است که از عقیده‌اش دفاع کند؛ پس در مورد آقای سلمان رشدی هم این حق مردم است که او را از بین ببرند؛ زیرا او ضلال پراکنی و لجن پراکنی می‌کند و باید با او برخورد شود.

### امربه معروف و نهی از منکر چه

#### نقشی در احیای حقوق بشر دارد؟

وقتی راه خیری را به فردی نشان می‌دهید، بدین معناست که حقوق او را به وی یادآوری می‌کنید. این حق بشری



سخنرانی من بیوگرافی و زندگی نامه موسی علیه السلام را از زبان قرآن نقل کردم؛ اینها عاشق حضرت موسی هستند و متوجه شدند که قرآن چه قدر زیبا نحوه پیدایش موسی علیه السلام را بیان می کند - مادر موسی در شرایطی نبود که بتواند به موسی شیر دهد؛ آیا می گفت وقتی این بیچه را لحظه ای دیگر خفه می کنند، چرا من به او شیر بدهم؟

قرآن می فرماید: « وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ »؛ آنقدر از زنده ماندن این کودک مأیوس بود که به کمک وحی ما حاضر شد به او شیر دهد - وقتی کلیمی ها این موضوع را بدانند، به قرآن حسن ظن پیدا می کنند و این حق بشری آنهاست. پس تمام انسان ها بر ما حق هدایت دارند و

ما باید خود مان این حق را ادا کنیم؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر یک نوع ادای حق بشر است.

هر فردی است که وقتی می بیند کاری برای آینده وی ضرر دارد، قبل از اینکه بدان مبتلا شود، او را نجات دهید. جامعه کلیمی ها در شب ۲۲ بهمن ماه از من دعوت کردند تا برای آنها سخنرانی کنم؛ ابتدا به خودم گفتم چرا باید به مسجد کلیمی ها بروم، درحالی که می توانم به جاهای دیگر بروم؛ بعد از خودم پرسیدم شما برای چه

روحانی شده اید؟ این کلیمی که مرا دعوت کرد گفت من در همسایگی شما زندگی می کردم؛ او بشر است و یک حق بشری بر من دارد که اگر در اشتباه است، اشتباه او را برطرف سازم؛ اگر او احساس می کند قرآن دین کهنه، مرده، سوخته یا جعلی است، من باید او را از این

اشتباه برهانم. این حق اوست. گفتم من می آیم و صحبت می کنم و آنها نیز گفتند شما هیچ محدودیتی ندارید. در این

**آزادی عقیده و دین بعد از خروج از فضای «لا اکراهی» تحقق می یابد. به نظر ما، انسان اگر آزاد شود، به وسیله فطرتش به سمت دین حرکت می کند؛ یعنی هیچ نیازی نیست که این انسان را به سمت دین ببرید؛ اگر دین زیر سنگ هم باشد، آن را پیدا می کند! چرا؟ چون سلامت خودش را در آن می داند. اگر کسی نداند که آمدن او به دنیا و رفتنش چه فایده ای دارد، حقوق بشر اقتضا می کند که این فرد را از تحیر و سرگردانی برهانیم. پس امر به معروف و نهی از منکر انسان را آزاد، و از اکراه خارج می کند» <<<**

## رابطه امر به معروف و نهی از منکر با آزادی‌های عمومی که نقش محوری در حقوق بشر دارند چگونه است؟

خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ یعنی ابتدا انسان‌ها را از اکراه خارج کنید تا دین مجبوری ندا شته باشند. امریکا اهل عالم را به فرهنگ خودش

اکراه می‌کند. نهی از منکر ما برای این است که جلوی این کار را بگیریم جلوی اکراه امریکا را بگیریم؛ حتی

اگر شده است باید امریکا را براندازیم تا انسان‌ها آزاد شوند، و این ارزش دارد؛ یعنی به وسیله امر به معروف و نهی از منکر فضای «لا اکراهی» فراهم می‌کنیم؛ این شرایط اساس آزادی است. آزادی عقیده و دین بعد از خروج از فضای «لا اکراهی» تحقق می‌یابد. به نظر ما، انسان اگر آزاد شود، به وسیله فطرتش به سمت دین حرکت می‌کند؛ یعنی هیچ نیازی نیست که این انسان را به سمت دین ببرید؛ اگر دین زیر سنگ هم باشد، آن را پیدا می‌کند! چرا؟ چون سلامت خودش را در آن می‌داند. اگر کسی نداند که آمدن او به

دنیا و رفتنش چه فایده‌ای دارد، حقوق بشر اقتضا می‌کند که این فرد را از تحیر و سرگردانی برهانیم. پس امر به معروف و نهی از منکر انسان را آزاد، و از اکراه خارج می‌کند. وقتی «لا اکراه» واقع شد، «قد تبين الرشيد من الغي» یعنی زمینه آموزش فراهم می‌شود. وقتی «رشد» و «غی» مشخص شد،

فرد خودش کفر به طاغوت را به منزله «غی» انتخاب می‌کند. در نتیجه به خداوند ایمان پیدا می‌کند و

وقتی ایمان بالله بعد از کفر به طاغوت حاصل شد، بین خودش و خدا ارتباط پیدا می‌شود؛ «فقد استمسك بالعروة الوثقی»؛ اما زمینه اولی آن، امر به معروف و نهی از منکر است.

به نظر شما چرا امام خمینی ره مسئله لانه جاسوسی را تأیید کرد؟ برای اینکه به اهل عالم جرئت بدهد و زمینه «لا اکراهی» را در آنها فراهم آورد. اینها به اندازه‌ای از امریکا می‌ترسیدند که در ذهن خود نیز تصور نمی‌کردند که می‌توان خلاف راه او را رفت؛ اصلاً در اکراه غرق شده بودند. امام گفت این

**به نظر شما چرا امام خمینی ره مسئله لانه جاسوسی را تأیید کرد؟ برای اینکه به اهل عالم جرئت بدهد و زمینه «لا اکراهی» را در آنها فراهم آورد**



خانه‌اش تریاک می‌کشد یا مشروب می‌خورد یا نمی‌خورد. اسلام این حقوق بشر را در زندگی خصوصی طرف محترم می‌دارد. اگر مأموران مجرمی را تعقیب کردند و در خانه او وسایل تریاک یا مشروب دیدند، به آنها ربطی ندارد؛ باید مأموریت خودشان را انجام دهند و آن مدارک مورد نیاز خودشان را بردارند. اگر اتفاقی افتاد و شما آنها را دیدید، دیگر نباید تعقیب کنید؛ اما اگر تجاهر و تظاهر می‌کند و می‌خواهد بگوید من توانا هستم که حریم را

خبرها نیست؛ ما اینها را می‌گیریم و چهارصد روز هم آنها را نگه داشتیم. اگر آنها می‌خواستند غلطی بکنند، حتماً انجام می‌دادند. این آزادی‌هایی که اکنون ما از آن برخورداریم، نتیجه آن امر به معروف و نهی از منکرهاست.

### با توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، جایگاه حریم خصوصی در فقه اسلامی چیست؟

اگر کسی در خانه خودش کاری انجام می‌دهد، کسی حق ندارد از دیوار خانه



بشکنم، باید با او برخورد کرد؛ مانند اینکه به زن و شوهر در شب عروسی شیشه مشروب الکی می‌دهند؛ باید با

او بالا برود و نگاه کند که او چه می‌کند. کسی حق ندارد شنود یا دوربین مداربسته بگذارد که مثلاً این در



شما این حق ما را ضایع کردید. اگر این افراد جلوی این کار او را گرفته بودند، امروز بیمار نمی‌شدند. برای مثال، در سفری از کنار یک مجتمع مهم خدماتی بین راهی عبور می‌کردم؛ مشاهده کردم که فاضلاب آن را در جاده رها کرده‌اند. هم به رئیس محیط زیست و هم به مسئول آنجا گفتم که پیگیری کند؛ آیا نباید می‌گفتم؟ کسانی به خاطر این هوای کثیف بیمار شوند، به ما می‌گویند ما بشر بودیم این حق بشری ما بود که شما برای سلامت ما جلوی این منکر را بگیرید؛ کاملاً طبیعی است که بشرها به ما اعتراض می‌کنند. من حتی گفتم آن جامعه کلیمی در قیامت به ما اعتراض می‌کند که ما در همسایگی تو بودیم، چرا ما را بیدار نکردید؛ پس این حق بشر است و همه چیز کاملاً به هم مرتبط است.

این برخورد کرد؛ این زندگی خصوصی نیست؛ بلکه عفت عمومی را جریحه‌دار کرده است.

### به نظر شما آیا ترک امر به معروف و نهی از منکر با نقض حقوق بشر در جامعه رابطه دارد؟

کاملاً رابطه دارد؛ اما نه با حقوق بشر سیاسی، بلکه با حقوق بشر طبیعی و فطری؛ برای مثال، اگر خانواده‌ای زباله‌های منزلش را به بیرون منتقل نکند و بوی تعفن و میکروب آن در محیط پخش شود، آیا ضایع کردن حق همسایگان او نیست؟ اگر همسایه‌های او از این طریق دچار بیماری شوند، آیا حق ندارند به او اعتراض کنند. این مریضی‌ها ناشی از ترک امر به معروف است. همه کسانی که مریض شدند، می‌توانند به این فرد اعتراض کنند که